



پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه شغلی قضات، چالش‌های اجرائی و راهکارهای آن

امیرلطف‌اله پیرنیاکان^۱

۱. دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، قاضی دادگستری، تهران، ایران.

چکیده

دستگاه قضایی در تمامی نظامات سیاسی و حکومتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا آئینه‌ی تمام‌نمای اجرای عدالت محسوب می‌گردد. انتظار هر جامعه از سیستم قضائی خود این است که نه تنها قضات مرتکب جرم و یا تخلف عمدی نگردند بلکه قصوری نیز از ناحیه ایشان به وقوع نپیوندد. قضات بیش از همگان می‌بایست پایبند به قانون بوده و نسبت به وظیفه‌ی خطیری که بر عهده ایشان گذاشته شده است، متعهد باشند. عدم تقید برخی قضات نسبت به ارزش‌های اجتماعی مخاطراتی را برای ایشان به دنبال دارد. بدین معنا که رفتار خارج از اصول آنان می‌تواند منجر به فعل مجرمانه و یا تخلف انتظامی شود. در تعیین اینکه چه عواملی سبب می‌گردد تا رفتار حرفه‌ای یک قاضی خارج از چارچوب تعیین شده قرار گیرد می‌بایست مجموعه عوامل مالی، آموزشی و تربیتی، شخصیتی و دیگر عوامل مؤثر را مد نظر قرار داد و در جهت پیشگیری از آنها بهره جست. بدین ترتیب که در عوض چاره‌اندیشی پس از وقوع یک عمل مجرمانه، با اعمال اصلاحاتی در مجموعه قوانین و نیز در ساختار سازمانی نهاد قضائی کشور، قبل از وقوع بزه و تخلف احتمالی، از بروز آن پیشگیری نمود. این عمل تحت عنوان پیشگیری غیرکیفری و یا کنشی شناخته می‌شود و مقاله‌ی حاضر در صدد بررسی آن و همچنین بیان موانع موجود در رسیدن به این هدف و ارائه‌ی راه‌های پیشنهادی برای برون رفت از آن است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۱-۵۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

Pirniakan.amir@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۰/۱

واژگان کلیدی:

پیشگیری کنشی، عوامل فردی، عوامل سیستمی، عوامل پیرامونی، رفتارهای مجرمانه‌ی شغلی قضات.

openaccess



مقدمه

دادگاه‌های انتظامی مستقر در پایتخت مورد رسیدگی واقع می‌شوند. لازم به ذکر است که جرایم شغلی قضات نیز صرفاً در دادگاه‌های کیفری تهران قابل رسیدگی می‌باشند.

اندیشمندان جرم‌شناسی در بیان مفهومی واحد از پیشگیری به یک توافق واضح نائل نگردیده‌اند. زیرا این اتفاق نظر واقع نشده است که آیا صرف اقدام غیرکیفری مبنی بر کاهش و کنترل بزهکاری می‌تواند در این تعریف قرار گیرد و یا اینکه برخوردهای واکنشی نسبت به بزهکاری نیز شامل این تعریف می‌گردد (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۵۷). از سوی دیگر با عنایت به عدم تأثیر رویکرد کیفری بر کاهش نرخ جرم و همچنین وجود مفاهیم جدید پیشگیری از جرم می‌توان اذعان داشت که امروزه کنترل بزهکاری با استفاده از تمامی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های فردی و اجتماعی بدون اعمال حقوق کیفری، به‌عنوان یک رویکرد مناسب مورد توجه علماء حقوق واقع گردیده است (نماین، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۸۲).

بر این اساس شاید بتوان بهترین تعریف برای پیشگیری از وقوع جرم را در ماده یک قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۴ یافت که عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش جرم.

در مفهوم پیشگیری، حسب آنکه در حوزه جرم‌شناسی و یا حقوق کیفری مورد بررسی قرار گیرد، به ترتیب دو معنای مختلف مضیق و موسع، از آن قابل انتزاع می‌باشد. در حوزه حقوق کیفری و در معنای موسع می‌توان چنین گفت که پیشگیری عبارت است از مجموعه تمهیداتی که در مقابله با بزهکاری و در جهت کاهش آن صورت می‌پذیرد. در این مفهوم تمهیدات واکنشی هم در مرحله پیش از وقوع جرم مورد توجه قرار می‌گیرد و هم در مرحله پسین آن. لذا کلیه اقدامات کیفری که توسط دستگاه قضائی نسبت به بزهکار به مرحله‌ی اجراء در می‌آید که اثربخشی آن هم نسبت به فرد بزهکار در جهت عدم تکرار مجدد بزه و هم نسبت به جامعه که نوعی بازدارندگی

پیشگیری از جرم به عنوان یک سیاست جنایی برای کنترل و تحدید بزهکاری همواره مورد توجه حکومت‌ها بوده است. در ایران نیز این مهم مورد عنایت مسؤلین کشور قرار داشته و در حوزه‌ی اجرائی دو رویکرد مختلف از آن مدنظر قرار گرفته است، حقوق کیفری به عنوان منبع اصلی راهبرد واکنشی و حقوق پیشگیری منبع اصلی راهبرد کنشی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰).

پیشگیری از لحاظ معنای لغوی به‌عنوان جلوگیری کردن، مانع شدن و جلوی چیزی را گرفتن می‌باشد (معین، ۱۳۶۳: ۱/۹۳۳). در علم حقوق و در معنای اصطلاحی پیشگیری عبارت است از اشکال مختلف کنترل جرم با هدف کاستن نرخ بزهکاری در جامعه و نیز تدابیری که مانع وقوه بزه و فعلیت یافتن اندیشه‌های مجرمانه می‌شود و با علل و ریشه‌ی جرم مبارزه می‌نماید (رشاد، ۱۳۸۰: ۵/۲۸۵). همچنین از نظر ریشه‌شناسی پیشگیری به معنای آگاه کردن و پیش‌دستی کردن می‌باشد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳). آنچه که در این مقاله در خصوص رفتارهای مجرمانه‌ی قضات مد نظر قرار دارد هم افعال مجرمانه‌ای که در چارچوب حرفه و شغل خود ممکن است مرتکب شوند و هم تخلفات انتظامی ایشان را در بر می‌گیرد.

در تعریف تخلف انتظامی که تنبیه و مجازات پیامد آن است گفته شده که آن، نقض مقررات صنفی یا گروهی می‌باشد که اشخاص به تبع عضویت در گروه قواعد مزبور را پذیرفته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). به نظر می‌رسد در تخلف انتظامی وجود عنصر روانی در تحقق آن نقشی نداشته باشد. لذا اگر فردی به‌صورت غیرعمد فعلی را خارج از اصول تعریف شده شغلی‌اش مرتکب شود عمل وی تخلف انتظامی محسوب می‌گردد. تخلف انتظامی در این معنا یعنی تخلف از نظامات و مقررات مربوط به شغل و حرفه یا صنف و ایراد خدشه به شوون و شرافت شغلی فرد (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۴) که مجازات آن در آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری و انتظامی آن شغل پیش‌بینی شده است و در خصوص قضات، تخلفات مربوط به حوزه‌ی حرفه‌ای ایشان در

می‌شود. ابتدا در مورد پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی شغلی قضات از دیدگاه قوانین بالادستی و مقررات فقه امامیه بررسی می‌شود و در عنوان دوم چالش‌هایی که در مسیر اجرای این رویکرد از پیشگیری وجود دارد و همچنین طرق اصلاح آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است که این پژوهش با تکیه بر مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با سی و دو نفر از قضات دادگستری و ده نفر از داوطلبین منصب قضا که با شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند انجام پذیرفته، سپس متن مصاحبه‌های ضبط شده، پیاده‌سازی و به روش تحلیل مضمونی مورد بررسی قرار گرفته است. جنسیت همه‌ی اشخاص فوق مذکر و محدوده سنی حدود سی الی هفتاد سال می‌باشد. در خلال مصاحبه از هر یک ده سؤال پرسیده شد و بر این اساس سعی به عمل آمده که مراتب پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی شغلی قضات به همراه پیشنهادهایی که در جهت اعمال آن ارائه گردیده است مورد توجه قرار گیرد. مصاحبه شونده‌گان هفت نفرشان دارای تحصیلات دکتری، بیست و چهار نفر فوق لیسانس، ده نفر لیسانس و یک نفر حوزوی بودند. در این میان به لحاظ اتقان پژوهش از روش کتابخانه‌ای و تحلیل و توصیف موضوعی نیز بهره گرفته شده است.

۱- پیشگیری کنشی (غیرکیفری) از رفتارهای مجرمانه قضات

با بررسی قوانین موضوعه ایران که به تخلفات و جرائم قضات پرداخته است ملاحظه می‌گردد که رویکرد قانونگذار چه در خصوص جرائم شغلی قضات که در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به تفصیل بدان اشاره گردیده است و چه در ارتباط با تخلفات شغلی قضات که هم در مجموعه قوانین پراکنده که در حال حاضر برخی از آنها قابلیت استناد دارد و هم در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، تماماً کیفری و واکنشی می‌باشد.

از طرف دیگر با ملاحظه مقررات فقهی همچنین قوانین بالادستی اعم از مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی، این معنا وضوح می‌یابد که رویکرد کنشی و غیرکیفری در مقابله با

برای عموم مردم و بزهکاران بالقوه دارد، در زمره‌ی این معنا قرار می‌گیرد.

از این رو می‌توان بیان داشت که پیشگیری در معنای موسع آن به عنوان یک هدف مورد توجه سیاستگذاران حقوق کیفری قرار گرفته است و برای نیل به این هدف هر ابزاری به عنوان یک عامل پیشگیری در جهت کاهش نرخ بزهکاری در جامعه قلمداد می‌گردد و بر این اساس هم مجازات و هم شیوه‌های غیرکیفری پیشگیری از تکرار جرم در این مقوله و تعریف می‌گنجند. البته چنانچه دامنه‌ی حضور هر یک از شیوه‌های کیفری و غیرکیفری بصورت واضح مشخص نگردد موجب عدم شفافیت و عدم کارایی پیشگیری از جرم و پیشگیری از تکرار آن می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴۴).

در حوزه‌ی جرم‌شناختی که غالباً معنای مضیق از پیشگیری مد نظر قرار دارد (ابراهیمی، پیشین: ۳۸)، پیشگیری عبارت است از کلیه‌ی روش‌ها و تدابیر غیرکیفری برای جلوگیری از بزهکاری (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۱۱) و در خارج از چارچوب حقوق کیفری. بدین ترتیب این مفهوم کلیه‌ی عملکردهایی که برای ایجاد مانع بر سر راه وقوع جرم و بزهکاری با تمشیت مناسب در امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح کلان به وقوع می‌پیوندد را در بر می‌گیرد. لذا ملاحظه می‌گردد که در این معنا ضمن حذف و یا محدود کردن علل و عوامل و وضعیت‌های جرم‌زا، عملاً فرصت آلوده شدن به بزهکاری از شخص سلب می‌گردد.

در این پژوهش پرسش اساسی این است که آیا رویکرد کنشی در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه‌ی قضات در مجموعه قوانین کشور اجرائی گردیده است. به نظر می‌رسد گر چه در پی ناکامی تدابیر صرفاً کیفری در پیشگیری از جرم، توجه‌ها به سمت پیشگیری کنشی معطوف گردیده است ولی این مهم آن چنان که بایسته است از سوی متولیان سیاست کیفری با تصویب قوانین موضوعه‌ی مناسب عملیاتی نگردیده است. برای پرداختن به سیاست‌های اعمالی در خصوص پیشگیری از جرائم و تخلفات شغلی قضات مطالب این پژوهش در دو عنوان ارائه

بزهکاری و پیشگیری از جرایم شغلی قضات مورد توجه قرار گرفته است. با عنایت به مطالب معنونه این مبحث در دو عنوان ارائه می‌گردد. بدین معنا که ابتدا پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی قضات از منظر فقه امامیه بررسی می‌شود. سپس این رویکرد از دیدگاه قوانین بالادستی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱-۱- پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی قضات بر

اساس فقه امامیه

با تدقیق در آیات نورانی قرآن کریم این مهم به دست می‌آید که اسلام در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع بزهکاری در ابتدا به مقوله‌ی غیرکیفری تأکید داشته است. چنانکه در قرآن کریم آمده، هر چه را در کتاب وحی شده تلاوت کن و نماز برپا دار که نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و ذکر خدا بزرگتر است و خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است (عنکبوت/ ۴۵). در اینجا قرآن مجید اقامه‌ی نماز را مصداق بارز پیشگیری از وقوع جرم در جامعه دانسته است.

امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی دیگر از مصادیق پیشگیری غیرکیفری در آموزه‌های قرآنی می‌باشد. زیرا امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت عاملی است برای حفاظت از تخریب یکپارچگی جامعه که آن هم با اعمال نظارت عمومی و هماهنگی تمامی اعضای جامعه مقدور خواهد بود. خداوند در سوره‌ی آل عمران آیه ۱۰۴ امر می‌فرماید که همواره می‌بایست در میان مسلمانان کسانی باشند که این دو وظیفه‌ی بزرگ را جامه‌ی عمل پوشند که رستگاری امت تنها از این راه میسر خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۳۴).

یکی از نمودهای پیشگیری کنشی را در تذکرات حضرت امیرالمومنین علی (ع) به شریح بن حارث کندی می‌توان یافت. او در زمان خلیفه اول عمر بن خطاب قاضی کوفه شد و قضاوت او در زمان حضرت علی (ع) نیز ادامه پیدا کرد. برخی مورخان مدت قضاوت او را حدود ۷۵ سال ذکر نموده‌اند (خدایی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). حضرت بنا بر ملاحظاتی تنفیذ حکم قضاوت او را مشروط به این امر نمودند که همواره بر احکام

صادره توسط او نظارت داشته باشند (براقی نجفی، ۱۴۰۷: ۲۲۸).

شریح بابت رفتار و اعمالش بارها مورد نکوهش و سرزنش حضرت قرار گرفته است. از جمله اینکه بابت ابتیاع یک خانه مجلل به قیمت هشتاد دینار در زمانی که قاضی منصوب امام بود و این رفتارش برخلاف عرف ساده زیستی محسوب می‌شد (نهج البلاغه، ۱۳۹۰: ۳۴۳) و نیز در جریان قضاوت اشتباهی که نموده بود مورد خشم حضرت قرار گرفت چنانکه به او فرمودند به خدا سوگند تو را به "مانیقیا" (منطقه‌ی یهودی نشین اطراف کوفه) تبعید خواهیم کرد که دو ماه در آنجا میان یهودیان قضاوت کنی. این تصمیم امام عملی نشد تا اینکه پس از شهادت حضرت امیر (ع) و امام حسین (ع) و به قدرت رسیدن مختار ثقفی، وی شریح را خواست و به او گفت امام در فلان تاریخ به تو چه فرمود، شریح ماوقع را گفت. مختار ادامه داد به خدا سوگند مجال استراحت به تو نمی‌دهم مگر اینکه تو را دو ماه به مانیقیا تبعید کنم. سپس او را به آنجا فرستاد تا میان اهل آن سرزمین قضاوت کند (الثقفی الکوفی، ۱۳۹۵: ۲/ ۹۴۷).

همچنین حضرت امیر (ع) در خصوص لزوم توجه به معیشت قاضی به عنوان عامل مهم پیشگیری از جرم و به گناه افتادن قضات به مالک‌اشتر نخعی می‌فرمایند: آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد (نهج البلاغه، ۱۳۹۰: ۴۱۱). این فراز از سخنان حضرت حکومت را ملزم می‌نماید که رعایت شوون مادی قضات را بنماید. زیرا زمانی که قاضی تأمین نباشد و شرایط زندگی مناسبی نداشته باشد پیشنهادات و وسوسه‌های مالی ممکن است او را تحت تأثیر قرار دهند. لذا است که می‌بینیم حضرت برای شریح قاضی که هر ماه یکصد درهم دریافت می‌داشت مقرری پانصد درهم معین نمودند (رازی، ۱۹۷۹: ۱۱۰).

در قرون گذشته به لحاظ اینکه قضات جامع‌الشرایط تصدی امر قضاوت را داشتند و مجتهدین دارای اعتبار خاصی در میان مردم جامعه و نیز حکومت بودند از این رو به دلیل عدم دخالت ایشان در سیاست و امور حاکمیت، در متون فقهی مطلب

اسلامی ایران مطرح می‌شود تا ضمن تأکید بر اصل اساسی نمودن مبانی حقوق کیفری زمینه‌ای فراهم گردد تا با تغییر دولت‌ها خدشه‌ای بر آن وارد نگردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۹۹۵/۱).

باید توجه نمود که پاسخ پیشگیرانه و کنشی در مقابل پدیده‌ی بزهکاری می‌تواند با رویکرد واکنشی نیز همراه باشد. بدین معنا که این پاسخ واکنشی لزوماً به معنای مجازات خاطی با ابزارهای کیفری نیست. چنانکه یک قاضی در محیط کارش مبادرت به استفاده از مواد مخدر (غیرصنعتی) نماید این رفتار به لحاظ اخلال در نظم دستگاه قضائی یک رفتار خارج از شؤون قضایی محسوب شده لذا پاسخ انتظامی در پی خواهد داشت.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۵ اصل ۱۵۶ به پیشگیری از جرم اشاره گردیده همچنین در مقدمه‌ی قانون اساسی نیز یکی از وظایف قوه قضائیه را پیشگیری از انحراف موضعی در درون امت اسلامی تعریف نموده و تشکیل یک سیستم قضایی اصولی و بر پایه‌ی عدل اسلامی برای ممانعت از این انحراف را امری حیاتی و ضروری دانسته است ولی عملاً تا زمان تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم در ۱۳۹۴/۶/۲۱ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، چگونگی اجرای این بند از قانون اساسی معطل مانده بود. با دقت در مواد این قانون^۲ می‌بینیم آنچه که مد نظر خبرگان قانون اساسی در زمان تصویب این اصل از قانون اساسی بوده است، پیشگیری کنشی از جرم بوده تا بدینوسیله قوه قضائیه با تمشیت و مدیریت این فرآیند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۲۳۷) و با مشارکت همه جانبه و یکپارچه‌ی قوای مجریه و مقننه اهداف تعیین گردیده در اسناد بالادستی را عملیاتی نماید.

ایضاً در مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای تدوین سیاست‌های کلی نظام برای حفظ شأن و استقلال قضات به عنوان راهبردی کنشی در پیشگیری از جرایم شغلی قضات، مبادرت به تهیه‌ی مصوبه‌ای می‌نماید که در بند ۳ آن رعایت شأن و منزلت قضات در جامعه و در نظام

خاصی در خصوص ارتکاب بزه توسط قاضی مجتهد جامع‌الشرایط یافت نمی‌گردد الا اینکه در اقوال معصومین و بزرگان فقه امامیه تنها به ذکر گناه بودن دریافت رشوه توسط قاضی و نهی ایشان بسنده گردیده است. چنانکه رشوه در حکم و قضاء را به معنای کفر به خدا دانسته‌اند (حقی، ۱۳۷۵: ۴۸).

۱-۲- پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی قضات از منظر قوانین بالادستی

دانش حقوق یکی از مهمترین مباحثی که مطرح می‌نماید وادار نمودن انسان به تفکر می‌باشد. دین اسلام نیز همواره انسان‌ها را به تفکر دعوت نموده است آنجا که می‌فرماید " أَفَلَا تَعْقِلُونَ ". این عبارت در سیزده آیه از قرآن کریم آمده است.^۱ اسلام به عنوان خاتم ادیان الهی دارای احکام عمیق و پرمعنایی است از جمله در مجازات خاطیان تنها به فعل ارتکابی نمی‌نگرد. بلکه به عوامل پیرامونی که موجب ارتکاب بزه می‌گردد نیز توجه دارد. به‌عنوان مثال در زنا که بشدت مورد توجه بوده و مجازات شلاق، رجم و یا اعدام برای آن در نظر گرفته شده است، زمانیکه یک فرد متأهل همسرش در اختیارش نباشد حد رجم بر او جاری نخواهد گردید. زیرا در اینجا اسلام به مقوله‌ی گزینه جنسی که قابل کنترل نیست توجه نموده است.

بنا بر این ملاحظه می‌شود در مبحث مجازات ناپیستی تنها به پوسته توجه داشت، بلکه باید ریشه‌ها نیز مد نظر قرار گیرند. لذا باید این باور در میان حقوقدانان ایجاد گردد که در حقوق کیفری ناپیستی تنها به دنبال مجازات و کیفر بود بلکه می‌توان آنرا دانش چگونه مجازات نکردن دانست. بر این اساس مشاهده می‌گردد سیاست جنایی با رویکرد جدیدی مواجه می‌باشد و آن گذر از مبحث عدالت کیفری و سزا دادن به سمت و سوی مبانی غیرکیفری و نیز توجه به ابزارهای جایگزین مجازات است. از این رو در جهت تثبیت این رویکرد مهم، پیشگیری از جرم در حد و اندازه یک اصل از قانون اساسی جمهوری

^۱ - سوره بقره آیات ۴۴ و ۷۶، سوره آل عمران آیه ۶۵، سوره انعام آیه ۳۲، سوره اعراف آیه ۱۶۹، سوره یونس آیه ۱۶، سوره هود آیه ۵۱، سوره یوسف آیه ۱۰۹، سوره انبیاء آیات ۱۰ و ۶۷، سوره مؤمنون آیه ۸۰، سوره قصص آیه ۶۰، سوره صافات آیه ۱۳۸.

^۲ - قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴.

قواعد رفتاری قضات کشورهای عضو مبادرت به تهیه‌ی پیش نویس اولیه می‌نماید.

از آنجایی که اکثریت اعضا گروه این اجلاس کشورهای مربوط به حوزه‌ی کامن لا^۱ بودند، متن پیش نویس تهیه شده پس از اصلاحاتی در ژوئن سال ۲۰۰۲ میلادی در اجلاس قضات ارشد کشورهای دارای نظام قضایی نوشته^۲ در استراتسبورگ فرانسه به تصویب نهایی می‌رسد. این سند گرچه الزام‌آور نمی‌باشد ولی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای^۳ آنرا مورد حمایت قرار داده و کشورهای عضو سازمان ملل متحد را به اصلاح نظام مدیریت رفتار حرفه‌ای قضات خود در چارچوب این سند دعوت نموده است.^۴

لازم به ذکر است این کدها و اصول رفتاری که توسط خود قضات تهیه و تدوین گردیده تفاوتش با قوانین انتظامی قضات که توسط قوه مقننه تدوین و تصویب می‌گردد در این است که قوانین انتظامی بنابر شرایط و صلاحیت متولیان قانونگذاری و حاکمیت قابل تغییر و اصلاح می‌باشد ولی اصول رفتاری قضات همواره ثابت و بدون تغییر باقی خواهد ماند؛ زیرا منشأ و پدیدآورنده‌ی استانداردهای رفتاری قضات مبانی ثابتی چون اخلاق، عقل و مذهب است ولی خاستگاه قوانین انتظامی مصلحت‌اندیشی مقامات سیاسی و قضایی یک کشور می‌باشد.

این سند تأکید بر اصول مهمی دارد و به قضات رهنمودهایی برای به‌کار بستن استانداردهای رفتاری و اخلاقی مناسب در فعالیت‌های قضایی خود ارائه می‌دهد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- استقلال قضایی

این اصل پیش‌نیازی برای حاکمیت قانون و تضمین اساسی برای یک محاکمه‌ی عادلانه است. استقلال قضایی که در سند بنگلور مورد توجه قرار دارد هم مربوط به جنبه‌های فردی قاضی است و هم مربوط به تشکیلات قضایی که بر اساس آن

اداری کشور مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس حاکمیت موظف گردیده بستر لازم در جهت تکریم قضات و ایجاد فضای مناسب در جهت پاسداشت منزلت ایشان چه در جامعه و میان مردم و چه در ساختار نظام اداری و در کل حاکمیت فراهم نماید.

با وجود این مقرره‌ی راهبردی انتظار بود که در مرحله‌ی تدوین قانون موضوعه توجهی خاص به مقام و شأن قضات به عمل آید ولی عملاً در قانون نظارت بر رفتار قضات که در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید این جایگاه با بی‌اعتمادی دستگاه قضایی و نیز نهاد قانونگذاری کشور مواجه گردیده و حتی عنوان این قانون نیز به صورت سلبی بوده و بار منفی از آن برداشت می‌شود.

در عرصه‌ی بین‌المللی نیز قواعدی در زمینه‌ی تعیین الگوی رفتاری مناسب برای قضات و در ارتباط با وظایف شغلی آنان در جهت پیشگیری کنشی از رفتارهای خارج از اصول حرفه‌ای ایشان مطرح گردیده است که سند بنگلور و همچنین کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) از جمله‌ی این اسناد می‌باشند. در اینجا به لحاظ اینکه هر دو سند به مبانی مهم پیشگیری کنشی پرداخته‌اند ذیلاً هر یک به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱- سند بنگلور

این سند حاصل فعالیت و مشورت‌های گروهی از قضات عالی‌رتبه‌ی کشورهای مختلف است که تحت عنوان "گروه قضایی تقویت کمال اخلاقی در سال ۲۰۰۰ میلادی گرد یکدیگر جمع شده بودند. در این سال کنگره‌ی پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان سازمان ملل متحد برای تقویت الگوی کمال اخلاقی در وین اتریش برگزار می‌گردد. سپس در دومین نشست که در بنگلور هند و از ۲۴ تا ۲۶ فوریه ۲۰۰۱ میلادی توسط دپارتمان توسعه‌ی بین‌المللی انگلستان و ایرلند شمالی و به میزبانی دادگاه عالی ایالت کاترنا‌تای هند و حمایت کمیسیونر حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود، در خصوص

1- Common Law
2- Civil Law

^۲- قطعنامه‌ی شماره ۲۰۰۳/۴۳ سازمان ملل متحد.

^۴- Bangalore Principles of Judicial Conduct (www.unodc.org)

شد نماید. همچنین نبایستی در جریان رسیدگی به پرونده‌های ارجاعی اظهار نظر ماهیتی کند که بر اساس آن نظر قاطع وی در خصوص پرونده مشخص گردد. همچنین قاضی و یا یکی از اعضای خانواده‌اش نباید منافع مالی در پرونده‌ی مطروحه داشته باشند.

- صداقت و درستی قضات

گرچه این حق قضات است که همانند سایر شهروندان از حقوق و آزادی‌های اجتماعی برخوردار باشند ولی در عین حال انتصاب به منصب قضاء محدودیت‌هایی را در رفتار شخصی و عمومی قضات به ارمغان می‌آورد. لذا لازم است آنان میان مقتضیات منصب قضاء و خواسته‌های مشروع زندگی خصوصی و خانوادگی خود تعادل برقرار نمایند.

قضات می‌بایست این را بپذیرند که ماهیت مقامشان آنان را در معرض بررسی و کانون توجه عمومی قرار می‌دهد و بنابراین محدودیت‌هایی را در خصوص رفتارشان بوجود می‌آورد که ممکن است افراد دیگر جامعه آن را تجربه نکنند. از این جهت قضات باید از قرار گرفتن در موقعیت‌هایی که ممکن است سبب کاهش احترام عمومی نسبت به منصب قضاء می‌شود اجتناب نمایند.

- حفظ نزاکت و شؤون قضائی

قاضی می‌بایست از ناشایستگی و ظاهر نامناسب در جریان فعالیت‌های حرفه‌ای و نیز زندگی شخصی خویش به‌دور باشد و علی‌رغم اینکه همانند سایر شهروندان حق آزادی بیان و اعتقاد و گردهمایی و از این قبیل را دارد ولی در اعمال این حقوق باید همواره رفتارش به گونه‌ای باشد که شأن و منزلت منصب قضاء حفظ گردد.

- تساوی در رفتار

قاضی می‌بایست در رسیدگی‌های قضایی به گونه‌ای رفتار نماید که طبق قانون تضمین کننده‌ی برابری اشخاص اعم از طرفین پرونده، شهود و دیگر افراد دخیل در پرونده باشد. همچنین نباید تحت تأثیر رفتارهای تعصب‌آمیز قرار گیرد. بر این اساس یک قاضی باید تلاش نماید تا نسبت به مسائلی چون جنسیت، نژاد،

هر دو باید به‌دور از اهرم‌های قانونگذاری و نیز اجرایی دولت و تنها بر اساس حاکمیت قانون عمل نمایند.

قضات در راستای حفظ این استقلال در هنگام انتصاب به این منصب مبادرت به ادای سوگند قضایی می‌نمایند و براساس این سوگند اذعان می‌دارند که شخصاً مسؤول و پاسخگو در برابر قانون می‌باشند. ولی از آنجایی که تصمیمات قضایی در زندگی مردم تأثیر اساسی می‌گذارد حفظ این استقلال مانع از آن نیست که قضات به جهت حفظ استانداردهای قضائی در خصوص موضوعات دشواری که در تصمیم‌گیری‌های خود با آن مواجه می‌شوند، بعضاً با همکاران خود مشاوره نمایند و این امر خللی در اجرای وظایف قضائی ایشان وارد نخواهد نمود؛ زیرا در نهایت مستقل از همکاران خود و به تنهایی مسؤول تصمیمات اتخاذی خویش می‌باشند.

- بی‌طرفی قاضی

بر اساس این اصل قاضی می‌بایست با نحوه‌ی رفتارش در دادگاه این اندیشه را در جامعه استحکام بخشد که دادخواهی با بی‌طرفی صورت خواهد پذیرفت. همچنین از آنجایی که مسؤولیت اصلی قاضی اجرای وظایف قضائی‌اش می‌باشد، لذا باید تا آنجایی که ممکن است از فعالیت‌های فوق‌العاده که سبب شود وقت کافی برای بررسی وظیفه‌ی اصلیش نداشته باشد اجتناب نماید. بدین معنا که یک قاضی بی‌طرف می‌بایست از هرگونه فعالیت سیاسی و نیز شرکت در گردهمایی‌های سیاسی به جهت گردآوری اعانه چشم‌پوشی نماید. همچنین باید از شرکت در تظاهرات عمومی خودداری کند زیرا هر چه که او را با یک نظر سیاسی مرتبط سازد علاوه بر اینکه وقوع تبعیضاتی را در این مقوله رقم می‌زند، از قدرت او به عنوان مقام قضایی نیز می‌کاهد. چنانچه یکی از اعضای خانواده‌ی نزدیک او به فعالیت سیاسی مشغول می‌باشد، قاضی باید به گونه‌ای عمل نماید که بی‌طرفی خود را با آن فعالیت سیاسی نشان دهد.

یک قاضی بی‌طرف همچنین باید از اظهار نظر خارج از دادگاه خودداری نماید زیرا ممکن است منجر به تبعیض ناروا و یا پیش‌داوری در مورد پرونده‌هایی که بعداً به دادگاه ارجاع خواهد

شود (سهرابی، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۱). کشورمان نیز یکی از اعضای این کنوانسیون است و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی تصویب و مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ آن را موافق با مصالح نظام تشخیص داد.

به دنبال الحاق ایران به این کنوانسیون و تحت تأثیر آن در مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۷ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد^۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص گردید و آیین‌نامه‌های اجرایی آن یکی پس از دیگری تدوین و به تصویب رسیده است.

قابل توجه است که در ماده ۱۱ کنوانسیون مریدا اشاره به وضع تدابیر و مقرراتی می‌نماید که بر اساس آن کشورهای عضو بنابر اصول اساسی حاکم بر نظام حقوقی خود و بدون اینکه خدش‌های به استقلال قضائی‌شان وارد آید، اقداماتی را اتخاذ نمایند که سبب جلوگیری از ایجاد فرصت‌های فساد در بین اعضای قوه قضائیه کشورهای عضو این کنوانسیون گردد و از این راهبرد تحت عنوان "تدابیر مربوط به قوه قضائیه و واحدهای دادستانی"^۲ نام می‌برد.^۳

علت اینکه دادستانی را جدا از قوه قضائیه نام برده این است که در بعضی از کشورهای عضو از جمله انگلستان نهاد دادستانی بخشی از قوه قضائیه نمی‌باشد و جزء وزارت کشور محسوب می‌گردد (مهرا، ۱۳۹۵: ۲). در ماده ۷ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و تحت تأثیر ماده ۱۱ کنوانسیون مریدا، ملاحظه می‌گردد که دولت موظف شده است با همکاری سایر قوا به منظور فرهنگ سازی و ارتقاء سلامت نظام اداری براساس منابع اسلامی و متناسب با توسعه‌ی علوم و تجربیات روز دنیا ظرف شش ماه از زمان تصویب این قانون منشور اخلاق

مذهب، فرهنگ، زمینه‌ی قومی، امور جنسی و ناتوانی‌های مربوط به آن آگاهی کافی داشته باشد و تفاوت‌های ناشی از آنها را درک نماید.

- شایستگی، صلابت و جدیت قضات

یک قاضی باید در انجام امور حرفه‌ای خود صلابت داشته باشد و گام‌های معقول و منطقی برای حفظ و بالابردن مهارت و دانش قضایی خود در جهت انجام درست و صحیح وظایف قانونی‌اش بردارد. لذا نباید درگیر رفتاری شود که با اجرای وظایف قضایی‌اش در تقابل باشد.

۱-۲-۲- کنوانسیون مریدا

یکی دیگر از اسناد بین‌المللی که بر پیشگیری کنشی و غیرکیفری تأکید دارد، کنوانسیون مریدا می‌باشد. این مصوبه تحت عنوان کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد منضم به قطعنامه شماره ۵۸/۴ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی می‌باشد که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. این کنوانسیون بیشتر به تدابیر و اقدامات پیشگیرانه به‌جای تدابیر سرکوب‌گرانه تأکید دارد و به مقامات دولتی و دستگاه قضایی توصیه می‌نماید تا همواره اخلاق حرفه‌ای را رعایت نموده و در انتخاب و گزینش کارکنان خود دقت مضاعف مصرف دارند تا زمینه‌ی تحقق جرم از میان برود.

برخی از سیاست‌های پیشگیرانه‌ی کنوانسیون مریدا عبارت است از: شفافیت مدیریت اقتصادی، زیرا عدم شفافیت فعالیت‌ها زمینه را برای سوء استفاده فراهم می‌سازد. تدوین قوانین مناسب و کارآمد، آگاه نمودن مردم از قوانین موضوعه، به کارگیری مدیران صالح، نظارت مستمر و کامل بر فعالیت‌های اجتماعی، هماهنگی میان قوای حاکم بر جامعه و بخش‌های مختلف نظام، تناسب میان قوانین عادی و قانون اساسی (زراعت، ۱۳۹۵: ۹۶-۵۹).

بر این اساس دیدگاه حاکم بر اعضای شرکت کننده در این کنوانسیون این بود که با اتخاذ تدابیر بازدارنده از جمله شفاف‌سازی درآمدها و هزینه‌های عمومی و شایسته‌سالاری در ارتقاء کارکنان برای ایجاد یک قوه قضائیه‌ی مستقل تلاش

^۱ - رجوع کنید به قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترس در: rc.majlis.ir

^۲ - Measures Relating to the Judiciary and Prosecution Services

^۳ - United Nation Convention Against Corruption, Available in: www.unodc.org

۲-۱- عوامل فردی مؤثر در ایجاد مانع در مسیر پیشگیری

کنشی و راهکارهای اصلاح آن

عوامل فردی مؤثر در ایجاد مانع در مسیر پیشگیری کنشی و همچنین راهکارهای اصلاحی در ارتباط با آن را می‌توان در موارد ذیل مورد توجه قرار داد.

۲-۱-۱- ضعف نگرشی

در خصوص مجموعه عوامل فردی که سبب ایجاد مانع در مسیر پیشگیری از فساد می‌گردد، می‌توان به وجود ضعف نگرشی برخی کارکنان قضایی در مقابله با فساد اشاره نمود. بدین معنا که به واسطه‌ی تجمل‌گرایی که گریبان‌گیر تمامی اقشار جامعه نیز گردیده و به دلیل وجود کاستی‌های اعتقادی و معنوی و نیز زیاده‌خواهی و افزایش نیازهای کاذب در زندگی شخصی، برخی قضات به سمت‌وسوی راه‌های جایگزین برای پر نمودن این خلاء مالی متمایل می‌گردند و از طرفی به لحاظ ساده و عادی انگاشتن فساد و فرو ریختن قبح آن، بیش از پیش در این ورطه غرق می‌گردند.

برای مقابله با این وضعیت متولیان دستگاه قضائی می‌بایست مبادرت به تدوین شاخص‌های استاندارد رفتاری برای قضات نموده تا بدون هرگونه ابهام و امکان برداشت سلیقه‌ای از سوی بخش‌های نظارتی، تدابیر نظارتی مناسب اعمال گردد.

همچنین با بازنگری در نظام ارزیابی عملکرد و ارتقاء و لحاظ نمودن و تقویت انگیزه‌های شغلی و طراحی برنامه‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی مستمر، ضمن نهادینه‌سازی ابعاد اخلاقی و رفتاری قضات، موجب افزایش بصیرت ایشان گردیده و در این میان با بهره از آموزه‌های دینی مبادرت به شناسایی و معرفی الگوهای موفق در سبک زندگی اسلامی و تشویق آنان بر اساس شایستگی‌های رفتاری و عملکردی نمایند.

۲-۱-۲- ضعف در ویژگی‌های شخصیتی قضات

گاهی وجود ضعف در قضات به لحاظ کنترل عواطف و احساسات و امیال، ضعف در مسؤولیت‌پذیری و ضعف در وجدان کاری موجب گرایش ایشان به فساد می‌گردد. لذا متولیان دستگاه قضایی می‌بایست برنامه‌های آموزشی با هدف ارتقاء

حرفه‌ای کارگزاران نظام را تدوین نماید. همچنین در تبصره‌ی این ماده اشاره می‌نماید که دستگاه‌های موضوع این قانون که قوه قضائیه نیز شامل آن می‌گردد، مکلفند منشور اخلاق حرفه‌ای کارکنان خود را تدوین نمایند.

متعاقب آن ملاحظه می‌گردد دستورالعملی مشتمل بر پنج فصل و در سی و سه ماده و هشت تبصره در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۲ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجرا گردیده است. در این دستورالعمل که دو سوم آن به تکریم ارباب رجوع و رعایت حقوق مردم در دستگاه قضایی اختصاص یافته، ده ماده انتهایی آن نیز در خصوص حفظ کرامت کارکنان دستگاه قضایی، توجه به سلامت جسمی و روانی ایشان، تشویق و تأمین حداقل معیشت آنان می‌باشد.

در بند ۳ ماده‌ی ۵ کنوانسیون میردا نیز اشاره به تجدیدنظر کشورهای عضو در قوانین فعلی خود و تدوین قوانین کارآمد جهت پیشگیری و مبارزه با فساد می‌نماید. بر این اساس ملاحظه می‌گردد که در ماده‌ی ۱۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و وظیفه بازنگری در قوانین و تدوین قوانین مناسب به قوه قضائیه واگذار شده است تا در قوانین جزایی مرتبط با بازنگری نموده و لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق مجازات‌های متناسب تدوین نماید. به نظر می‌رسد تدوین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در همین راستا بوده است.

۲- چالش‌های اجرایی در پیشگیری کنشی و راهکارهای

اصلاح آن

بر اساس آنچه مطرح گردید چالش‌های پیرامون اجرای پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی قضات را می‌توان از سه منظر مورد توجه قرار داد: عوامل فردی، عوامل سیستمی و عوامل پیرامونی مؤثر در ایجاد مانع در مسیر پیشگیری کنشی که ذیلاً ضمن بررسی هر یک از موارد فوق، راهکارهای مقابله با آن نیز تبیین می‌گردد.

از این قبیل فعالیت‌ها در عرصه‌ی اجتماع داشته باشند. جدا نمودن کامل قضات از فعالیت‌های فراقضایی نه عاقلانه است و نه امکان‌پذیر. زیرا این امر موجب انزوای ایشان در جامعه می‌گردد. ولی در عین حال باید این موضوع را در نظر گرفت که چنین مشارکت‌هایی می‌تواند مخاطراتی به همراه داشته باشد.

زیرا نهادهای ذکر شده ممکن است طرف دادخواهی در دعوای حقوقی و یا کیفی قرار گیرند و بر این اساس شخص قاضی ممکن است در چنین حالتی در وضعیت سخت و دشواری قرار گرفته و بی‌طرفی او نقض گردد. لذا شایسته است که قضات در این قبیل پرونده‌ها ورود ننموده و با ذکر دلیل مراتب را به مسؤولین مربوطه گزارش نمایند تا موضوع مورد نظر توسط قاضی دیگری مورد رسیدگی قرار گیرد.

۲-۲- عوامل سیستمی موثر در ایجاد مانع در پیشگیری کنشی

و راهکارهای مقابله با آن

ناکارآمدی در ابعاد مختلف سیستم قضایی می‌تواند به عنوان سدی در برابر پیشگیری کنشی از رفتارهای مجرمانه‌ی کارکنان قضایی عمل نماید که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

۲-۲-۱- ضعف و ناکارآمدی فرهنگ سازی در مقابله با فساد

در نظام قضایی کشور به لحاظ اینکه فرهنگ کمیّت‌گرایی بر کیفیت‌گرایی حاکمیت دارد و همچنین وجود ضعف در استقلال برخی قضات که نتیجه منطقی آن موجه جلوه دادن فساد از سوی ایشان و بی‌توجهی به قبح توصیه و اعمال نفوذ و قانون‌گریزی است، سبب می‌شود که فساد به تدریج بصورت امری عادی درآید.

برای برون رفت از این معضل به نظر می‌رسد متولیان قوه قضاییه می‌بایست به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که با حمایت حرفه‌ای از قضات مستقل، عملاً امکان شکایت واهی از ایشان را مانع گردند. همچنین با مدنظر قرار دادن رویکرد کیفی در عملکردهای قضایی و شایسته سالاری، سازوکار مناسبی در نظام انتصاب و ارتقاء قضات طراحی نموده و در این جهت با

قابلیت قضات در کنترل عواطف و احساسات خود در هنگام انجام وظایف شغلی خود طراحی و اجرا نمایند و در این میان می‌بایست شرایط استرس‌زایی که بر منصب قضاء حاکم است مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب با آموزش اصولی آنان در جهت پذیرش چنین مسؤلیت خطیری گامی مهم در توانمندسازی آنان برداشته شود. لازم به ذکر است که در این مسیر شناسایی شایستگان و نخبگان مسؤلیت‌پذیر و معرفی آنان به دیگر قضات می‌تواند تأثیر گذار باشد.

۲-۱-۳- ضعف مهارتی

یکی دیگر از مواردی که سبب ایجاد فساد در دستگاه قضایی شده و می‌تواند به‌عنوان مانعی در جهت اعمال تدابیر پیشگیرانه‌ی غیرکیفری مطرح باشد، ضعف مهارتی قضات است. قاضی می‌بایست صبور و باوقار بوده و در هنگام روبه‌رو شدن با طرفین پرونده و دیگر مرتبطین پرونده خوش‌برخورد باشد. از این‌رو چنانچه قاضی تدبیر لازم را در جهت ایجاد ارتباط مناسب با ارباب رجوع نداشته و از این جهت فاقد مهارت رفتاری بوده و ضعف در نظم و انضباط اداری داشته باشد و به لحاظ عدم تخلّق به اخلاق و ادب و شوّون اسلامی و ایرانی منافع فردی و شخصی خود را به منافع سازمانی ترجیح دهد، این موضوع می‌تواند لطمه‌ی جبران ناپذیری به جایگاه حرفه‌ای او وارد نماید.

به نظر می‌رسد با طراحی برنامه‌های آموزشی و تقویت مهارت‌های ارتباطی قضات، ضمن بهره‌مندی از مشاوران حرفه‌ای در این زمینه و همچنین به‌کارگیری فناوری‌های نوین در ارتباط با نظم اداری و کنترل و پیش‌بینی نمودن ضمانت اجرای دقیق و مناسب در این خصوص و نیز با ترویج فرهنگ آراستگی، نظم و پرهیز از سستی و بی‌سامانی در کارها می‌توان نظارت شایسته‌ای در این خصوص اعمال نمود تا حیثیت نظام عدالت قضایی مورد خدشه واقع نگردد.

۲-۱-۴- فعالیت‌های اجتماعی و آموزشی

این امکان وجود دارد که برخی از قضات با پذیرش سمت آموزشی در دانشگاه‌ها و یا سمت مدیریتی در بنیادهای خیریه و

چنانکه در معاونت نظارت دادستانی کل کشور یک واحد نظارت الکترونیکی وجود دارد که دو قاضی و چندین کارمند در آن مشغول به کار می‌باشند و بر اقدامات قضات دادرهای کل کشور از طریق الکترونیکی نظارت می‌نماید. بر این اساس، تعداد پرونده‌های وارده و مختومه‌ی هر یک از شعب دادرها، اقدامات قضایی اعمالی بر پرونده‌ها، تعداد قرار بازداشت، جلب به دادرسی، تعلیق تعقیب و منع و موقوفی تعقیب هریک از شعب از طریق سامانه‌های الکترونیکی موجود در واحد الکترونیک معاونت نظارت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب این واحد به صورت دوره‌ای بر اقدامات هر یک از شعب دادرهای سراسر کشور نظارت می‌نماید و گزارش کار آنها را به معاون نظارت و هر یک از ادارات کل مربوطه ارائه می‌دهد. این نوع نظارت مکمل نظارت‌های فیزیکی می‌باشد و البته با اعمال نظارت‌های نوین می‌توان در وقت و هزینه‌های مالی نیز صرفه‌جویی نمود.

قابل توجه است که معاونت نظارت و هماهنگی امور دادرها و ضابطین دادستانی کل کشور اخیراً با نظم‌دهی به حُسن جریان نظارت‌ها و با بکارگیری هفت روش در راستای اعمال تدابیر پیشگیری از جرم اقدامات مناسبی انجام داده است. این روش‌ها عبارتند از:

الف- بازرسی دوره‌ای و فیزیکی از دادرها؛ ب- بازرسی سرزده از دادرها؛ ج- رسیدگی به شکایاتی که حضوراً در دادستانی کل کشور مطرح می‌گردد؛ د- رسیدگی به شکایاتی که از طریق سایت اینترنتی دادستانی کل کشور توسط مردم مطرح می‌گردد؛ ه- نظارت الکترونیکی چنانکه بیان گردید؛ و- رسیدگی به شکایات مردم که از طریق پست به دادستانی ارسال می‌شود و در نهایت، ز- رسیدگی به شکایات و انتقاداتی که مردم از طریق صندوق‌های نصب شده در دادرهای کل کشور مطرح می‌نمایند.

بدین ترتیب با اعمال بازرسی‌ها اعم از دوره‌ای و یا سرزده، یک تیم بازرسی متشکل از چند قاضی به دادرهایی که قرار است مورد بازرسی قرار گیرد مراجعه نموده و دو نوع بازرسی را انجام

اعمال تدابیر آموزشی به‌روز، نسبت به ارتقاء دانش قضایی ایشان به‌طور علمی اهتمام نمایند. شایسته است نظام کنترل و نظارت دقیق بر کیفیت آراء قضایی خصوصاً از سوی دیوانعالی کشور نیز فعال‌تر شده تا احکام قضات از استحکام و اتقان بیشتری برخوردار گردد. از سوی دیگر با طراحی برنامه‌های آموزشی نیز سطح آگاهی عمومی شهروندان را نسبت به حقوق و تکالیفشان افزایش داده تا عملاً امکان گریزی توسط کارگزاران تشکیلات قضایی منتفی گردد.

۲-۲-۲- ضعف در ایجاد ساختارها و فرآیندهای مقابله با فساد

دستگاه قضایی نیز همانند سایر نهادها لاجرم می‌بایست با نوآوری‌های نوین علمی همراه شده و ساز و برگ اجرایی مناسب در جهت عملیاتی نمودن این فناوری‌های مدرن را در درون خود پیش‌بینی نماید. از جمله اینکه اقدام به توسعه‌ی خدمات الکترونیکی و هوشمند و ارائه‌ی خدمات لازم به شهروندان از طریق سامانه‌های نوین الکترونیکی نماید.

یکی از محاسن استفاده از ابزارهای نوین این است که عملاً با کاهش مراجعات مردمی به سیستم قضایی مواجه خواهیم شد که نتیجه‌ی آن نیز مسدود شدن راه ورود افراد غیرمرتبط با پرونده و شفاف‌سازی فرآیند رسیدگی‌ها و کاهش زمینه‌های بروز فساد می‌باشد. همچنین یکی از مراتب مهم در مبحث ساختاری قوه قضاییه، ارجاع پرونده‌ها با مد نظر قرار دادن تخصص قضات می‌باشد. زیرا امروزه این اصل منطقی و عقلی مورد عنایت قرار دارد که در حوزه‌های مختلف علمی همواره می‌بایست به تخصص و قابلیت افراد توجه داشت و در این میان قضات نیز در زمینه‌ی فعالیت حرفه‌ای خود از این چارچوب خارج نمی‌باشند.

در راستای استفاده از فناوری‌های جدید الکترونیکی، قوه قضاییه می‌بایست مقدمات رسیدگی به پرونده‌های جاری و ارسال نامه‌ها و مکاتبات از طریق این ابزار نوین و نیز امکان استخراج و اعمال وظایف نظارتی از این طریق را به‌طور کامل فراهم نماید تا بدین وسیله گامی در جهت اصلاح سیستم و پیشگیری از خطاهای احتمالی برداشته شود.

درخواست شد که این دادسراها به دادگاه بخش تبدیل شوند تا بدین وسیله ضمن صرفه‌جویی در بودجه و هزینه‌ها و نیروی انسانی، جریان رسیدگی به پرونده‌ها نیز در دادگاه‌های بخش سرعت یابد.

۲-۳-۲- ضعف و ناکارآمدی قوانین و مقررات

قضات در مقام رسیدگی‌های قضایی بعضاً شاهد ابهام، اجمال، تعارض و سکوت قوانین می‌باشند. برای رفع این تعارضات قانونی می‌بایست با آسیب‌شناسی دقیق در خصوص اثر مجازات‌ها و بازدارندگی آنها، قوانین مورد تنقیح و بازنگری مجدد قرار گیرند، آنچنانکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شاهد اعمال برخی از این اصلاحات می‌باشیم.

در راستای عملیاتی نمودن ظرفیت‌های موجود در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹، شاهد امضاء تفاهم‌نامه‌ای ملی میان قوای سه‌گانه در امر تنقیح قوانین و مقررات هستیم که در مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ در مجلس شورای اسلامی انجام پذیرفت. با انعقاد این تفاهم‌نامه که میان معاونت حقوقی قوه قضائیه و معاونت حقوقی قوه مجریه و معاونت قوانین قوه مقننه و در راستای همکاری‌های مستمر و نهادینه با رویکردی قانون‌مدار و مبتنی بر واقعیت و فرابخشی انجام پذیرفت است، انتظار می‌رود که با تعامل قوای سه‌گانه، ساختاری یکنواخت و استاندارد در جهت تنقیح قوانین کشور به وجود آید تا بر اساس آن موارد ناسخ و منسوخ، نسخ صریح و ضمنی، نسخ کلی و جزئی، مواردی که موضوع قانون منتفی شده و یا قانون اجراء گردیده و یا اینکه قانون متروک بوده ظهور یافته و در نتیجه آن علاوه بر شفافیت قوانین، سلامت اداری در مجموعه‌ی نظام ارتقاء یابد.

۲-۳-۲- وجود ساز و کارهای کنترلی ضعیف و غیر اثر بخش در مقابله با فساد

وجود بخش‌های نظارتی موازی در تشکیلات قضایی همه نشان از این واقعیت دارند که این نظارت‌های متعدد و تکراری باعث پیشگیری مناسب از فساد در دستگاه قضائی نشده و نتوانسته‌اند به‌طور مفید و به موقع از وقوع تخلفات و جرائم

می‌دهد. ابتدا بازرسی عمومی است بدین معنا که تیم بازرسی از قسمت‌ها و بخش‌های مختلف دادسرا، امکانات و تجهیزات و سرویس‌هایی که در دادسرا به مردم خدمت ارائه می‌دهند بازرسی به‌عمل می‌آورد. سپس اقدام به بازرسی اختصاصی می‌نماید بدین معنا که عملکرد قضات و کارکنان اداری و نحوه‌ی تعامل آنها با مردم در پرونده‌هایی که نزد آنها مطرح است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی این ارزیابی‌ها در پرونده‌ی قضات درج می‌گردد و چنانچه در این میان مشخص شود که قاضی وظایف خود را به‌درستی انجام داده و مستوجب تشویق است، اقدام لازم بعمل می‌آید و اگر بر خلاف قانون اقداماتی انجام داده باشد حسب ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری تذکرات لازم به قاضی داده می‌شود و حتی ممکن است در صورت اقتضای امر علیه قاضی متخلف اعلام تخلف و یا جرم گردد. در این وضعیت مراجع ذیصلاح به تخلف و یا جرم قاضی رسیدگی می‌نمایند.^۱ در جریان بازرسی‌ها چنانچه مشخص شود که قاضی دادسرا فاقد صلاحیت لازم برای قضاوت می‌باشد مراتب به دادستان کل کشور اعلام می‌گردد تا پرونده وی از این طریق در کمیسیون عالی رسیدگی به صلاحیت قضات مطرح شده و در خصوص ادامه‌ی کار او اتخاذ تصمیم شود.

در همین ارتباط در جریان گفتگو با یکی از مقامات دستگاه قضائی وی اظهار داشت یکی از مزیت‌های نظارت‌های نوین، کشف نقایص و کاستی‌های موجود در نظام قضایی و اقدام در جهت رفع آن است. چنانکه اخیراً در جریان نظارت الکترونیکی و آنلاین، تعداد پرونده‌های وارده به هر یک از دادسراهای کل کشور مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه حاصله این بود که حدود ۵۰ شهرستان در واقع به دلیل قلت تعداد پرونده‌های وارده ظرفیت تشکیل دادسرا را نداشته و لذا تشکیل دادسرا در آنها از ابتدا مناسب نبوده است. بر این اساس از ریاست قوه قضائیه

^۱ تبصره ۱ ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری: چنانچه دادستان کل کشور در اجرای وظایف مقرر... به موارد تخلف یا جرم برخورد نماید حسب مورد مراتب را برای تعقیب قانونی به دادرسی انتظامی قضات، مراجع قضایی یا اداری صالح اعلام می‌کند.

جهت تعامل لازم میان قوه قضائیه و قوه مجریه در جهت تأمین بودجه و امکانات وجود نداشته و یا اینکه تدابیر لازمه به نحو مطلوب مورد توجه آنان قرار نگرفته و بدین ترتیب از سوی دستگاه قضایی طرح‌ها و روش‌های حمایتی و رفاهی کارآمد در جهت ایجاد آرامش و اطمینان و ثبات و امنیت شغلی قضات ارائه نمی‌گردد و در پاره‌ای از موارد نیز این طرح‌ها به طریق مناسب و صحیح عملیاتی نمی‌شوند. لذا ملاحظه می‌گردد که در مرتفع نمودن تنگناها و مشکلات کارکنان قضائی همواره معضل وجود داشته است. آنچه از این نابسامانی حاصل می‌گردد چیزی جز تنزل شأن و منزلت شغلی قضات نخواهد بود.

به نظر می‌رسد اصلاح این ناکارآمدی‌ها با اصلاح قوانین و نیز توسعه‌ی به‌روز روش جذب قضات با تکیه بر آموزه‌های اسلامی خصوصاً از طریق دانشگاه‌های معتبر کشور و تربیت و آموزش قضات شایسته و رسیدگی به وضعیت رفاهی و معیشتی قضات آینده حتی در زمان دانشجویی و کارآموزی قابل جبران و انجام است.

۲-۳- عوامل پیرامونی مؤثر در ایجاد مانع در مسیر پیشگیری کنشی و راهکارهای مقابله با آن

منظور از عوامل پیرامونی، عوامل مرتبط با دستگاه قضائی است. یکی از این مرتبطن، پلیس و سایر ضابطین است. بدین معنا که وجود ضعف و اهمال در ضابطان دستگاه قضائی اعم از ضابطین عام و یا خاص در انجام امور محوله و نیز فقدان تخصص و تجربه‌ی لازم و کافی ایشان می‌تواند به‌طور غیرمستقیم موجب فساد در دستگاه قضایی شود و در نتیجه به عنوان مانعی تأثیرگذار بر پیشگیری کنشی مطرح باشد.

از دیگر عوامل مرتبط با سیستم قضایی که فعالیت حرفه‌ای ناصحیح آنان می‌تواند سبب بروز فساد در جریان رسیدگی‌های قضایی شود، وکلاء و کارشناسان دادگستری می‌باشند. با این توضیح که عدم شفافیت مالی وکلاء و کارشناسان به لحاظ عدم تناسب تعرفه‌های وکالت و یا کارشناسی با شرایط و اوضاع و احوال روز و نیز ناکارآمدی عوامل نظارت بر فعالیت آنها، به

قضات و کارکنان دستگاه قضایی جلوگیری نمایند. حتی بعضاً دیده می‌شود که مدت‌ها بعد از اینکه قضیه‌ی یک تخلف و یا جرم ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌نماید، آن زمان متولیان برای جبران کاستی‌های خود بدان واکنش نشان داده و با رفتارهای ژورنالیستی بجای پرداختن به ریشه‌ها تنها به صورت مسأله پرداخته تا بدینوسیله غفلت آنان کمتر جلوه نماید.

بر این اساس با گذشت چهل سال از عمر نظام جمهوری اسلامی شایسته است که در برخی امور تجدیدنظر شود. از جمله فعالیت‌های واحدهای نظارتی در دستگاه قضائی مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار گرفته و سازمان‌های موازی ادغام گردیده و تحت زعامت مرجعی واحد یعنی دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات انجام وظیفه نمایند. زیرا موازی کاری عملاً بازده فعالیت آنان را پایین آورده و سبب دور شدن از اهداف سازمانی می‌گردد. از این رو، بازنگری دستورالعمل و آیین‌نامه‌ی شورای عالی نظارت^۱ با هدف اصلاح ساختار، تبیین وظایف، ایجاد هماهنگی‌های لازم و یکپارچگی میان دستگاه‌های نظارتی ضروری می‌نماید.

یکی دیگر از بسترهای کنترلی که توسل به آن موجب مسدود شدن راه‌های فساد در سیستم قضایی می‌گردد، شفاف‌سازی دارایی قضات و بستگان درجه یک آنها و نظارت بر آن می‌باشد. چنانکه این تدبیر در قانون رسیدگی به دارایی مقامات، دارندگان پایه قضائی، مسؤولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در مورخ ۱۳۹۴/۸/۹ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات کلی موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شده و آیین‌نامه اجرائی آن نیز در ۲۱ ماده و ۸ تبصره در مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۹ به توشیح رئیس قوه قضائیه رسیده است.

۲-۲-۵- ضعف در خصوص منابع انسانی

متولیان امر قضاء در جذب، آموزش و به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص و متعهد یا ابزار مناسب را در دست ندارند و از این

^۱ - دستورالعمل تشکیل شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲ و آیین‌نامه‌ی شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۸/۲/۴.

وقوع جرم و تخلف بوده که چنین نتیجه‌ای را رقم زده است و چگونه می‌توان این وضعیت را به حداقل ممکن رساند. در پاسخ به این مهم مطرح گردید که چنانچه نیازهای اولیه‌ی آدمی تأمین نشود، احساس خطر نموده و دست به هر تلاشی از جمله فعالیت‌های مجرمانه می‌زند تا این کمبود را جبران و نیازهای خود را برآورده سازد. لذا انسان‌هایی که در صحنه‌ی زندگی به طرق اصولی و قانونی نمی‌توانند به ارزش‌های اجتماعی که به آن باور دارند دست یابند، لاجرم جایگزینی برای آن برمی‌گزینند که الزاماً قانونی نبوده و می‌تواند یک رفتار مبتنی بر فعالیت مجرمانه باشد تا بدین‌وسیله این کمبود را جبران نمایند. قضات نیز از این امر مستثنی نیستند.

لذا متولیان سیستم قضایی باید با برنامه‌ریزی مناسب در جهت سامان دادن به امور قضات از مراحل ابتدایی آن، یعنی ورود فرد به عنوان داوطلب، مرحله‌گزینش، سپس در دوره‌ی کارآموزی و النهایه منصوب شدن به سمت قضایی اقدام لازم به‌عمل آورند. بدین ترتیب که با آموزش صحیح و به روز داوطلبین امر قضاء و جذب ایشان، در زمان تصدی امر قضاء نیز نسبت به آموزش مداوم مهارت‌های ارتباطی و نیز علمی قضات بر اساس استانداردهای اسلامی و بین‌المللی اهتمام ویژه داشته و در هر مرحله ضمن شناخت نواقص نسبت به مرتفع کردن کاستی‌ها اهتمام ورزند. همچنین حاکمیت باید نیازهای مالی و رفاهی قضات را مطابق مقررات اسلامی و قواعد بین‌المللی مرتفع نماید.

در مقام پرداختن به حوزه‌ی نظارتی سیستم قضایی کشور نیز مطرح گردید که در مقوله‌ی مبارزه با فساد به جای اینکه بر شناخت نقایص و متعاقب آن اصلاح امور و ساختارها و همچنین بازنگری نسبت به قوانین و مقررات دست و پا گیر تمرکز شود، بیشتر به ایجاد تشکیلاتی که این امور را محقق نماید توجه شده است. لذا این نتیجه حاصل گردید که در درون سیستم قضایی تنها وجود یک نهاد نظارتی قضایی یعنی دادسرا و دادگاه انتظامی قضات است که می‌تواند مقبولیت و بازخورد مناسب از سوی قضات داشته باشد.

ضمیمه‌ی عدم تعهد و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای برخی از آنان که منجر به عدم اجرای صحیح و دقیق امور وکالتی و کارشناسی و یا گزارشات خلاف واقع می‌گردد، می‌تواند لطمه‌ی جبران‌ناپذیری به دستگاه عدالت وارد آورد. لذا با اعمال دقیق قوانین و ضابطه‌مند و واقعی نمودن مقررات و تعرفه‌های مربوط به قراردادهای وکالت و کارشناسی و با برپایی منظم دوره‌های آموزشی در جهت تقویت و تحکیم اخلاق حرفه‌ای و نیز احیاء سازمان پلیس قضائی به عنوان یک ضابط متخصص همراه با اجرای برنامه‌های آموزشی دقیق درجهت ارتقاء دانش و مهارت‌های حرفه‌ای ایشان، مانعی در مسیر پیدایش فساد ایجاد نمود. این مهم می‌تواند به عنوان یک رفتار کنشی در جهت اصلاح امور در دستگاه قضائی مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در راستای ارائه‌ی پاسخی مناسب به پرسش اساسی این تحقیق، با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی و نیز منابع فقهی معتبر این مهم حاصل گردید که در خصوص پیشگیری از جرائم و تخلفات شغلی قضات رویکرد کنشی مدنظر قانونگذار بوده است ولی در مقام اجرای اصول قانون اساسی و در تدوین قوانین موضوعه آنچه اتفاق افتاده نظر به اقدامات کیفری و واکنشی بوده است. چنانکه در ارتباط با ضرورت حفظ شأن قضات ملاحظه گردید که مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان یک نهاد ویژه در تدوین مجموعه سیاست‌های کلی نظام، مصوبه‌ای تنظیم تنظیم نموده است که در آن به لزوم توجه به این مهم تأکید گردیده و از این جهت به لزوم تکریم قضات در ساختار نظام اداری کشور عنایت شده است. در صورتیکه در مقررات موضوعه به این اصل فاخر توجه نگردیده است.

در ادامه به این نکته اشاره شد که پیشگیری از بزهکاری در خصوص قضات ویژگی خاصی می‌یابد. بدین معنا که یک قاضی که دارای شرافت اجتماعی و شغلی در تمامی جوامع است، به چه دلیل در راستای انجام وظایف خود مرتکب بزه و یا تخلف می‌گردد؛ چه شرایطی حاکم بر اوضاع و احوال زمان

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸). «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن». دو فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۲(۱): ۳۷-۵۲.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. جلد اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- آزمایش، سیدعلی (۱۳۹۴). نشست علمی حق بر مجازات تشدن مبانی و آثار آن. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- براقی نجفی، سید حسن (۱۴۰۷). تاریخ الکوفه. چاپ چهارم، بیروت: دارالاضواء.
- الثقفی الکوفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵). الغارات. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). کرامت در قرآن. چاپ سوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حقی، محمد (۱۳۷۵). مسأله عدالت و رشوه از دیدگاه اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خدایی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۰). «شریح قاضی، زندگی نامه و عملکرد». فصلنامه تاریخ اسلام، ۷(۱): ۱۲۴-۹۹.
- خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۲). «پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی». فصلنامه بصیرت (دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق)، ۱۰(۳۰): ۷۳-۵۵.
- رازی، ابی بکر احمد بن علی (۱۹۷۹). شرح کتاب ادب القاضی. القاهرة: الجماعة الامریکیه.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع). جلد پنجم، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زراعت، عباس (۱۳۹۵). حقوق کیفری اقتصادی. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- سهرابی، عظیم (۱۳۸۸). «فساد از دیدگاه یک کنوانسیون بین المللی». مجله قضاوت، ۶۰(۱): ۵۶-۵۰.
- شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی. تهران: نشر دادیار.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰). جرم شناسی کاربردی. ترجمه‌ی مهدی کی‌نیا، تهران: نشر مترجم.
- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). تفسیر نمونه. جلد سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهرا، نسرین (۱۳۹۵). تقریرات درس حقوق کیفری در کشورهای کام لا. دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۵). پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام. رساله دکتری، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). تقریرات درس جرم‌شناسی نظری. دوره دکتری، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۳). در تکاپوی حقوق عمومی. به کوشش علی اکبر گرجی، جلد اول، چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴). نشست علمی حق بر مجازات نشدن مبانی و آثار آن. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴). دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. چاپ اول، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.

- نامیان، پیمان و جلالی، محمود (۱۳۹۰). واکنش‌های عدالت کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارت بنیاد حقوقی میزان.

- نیازپور، امیر حسین (۱۳۹۳). «اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۲(۶): ۹۱-۱۱۱.





Active Prevention of Occupational Criminal Behaviour of Judges; Challenges for Implementation and Their Solutions

Amir Lotfollah Pirniakan¹

1. Ph.D, Criminal Law and Criminology, Judge, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 41-58

Corresponding Author's Info

Email: Pirniakan.amir@yahoo.com

Article History:

Received: 16 Oct 2020

Accepted: 15 Dec 2020

Published online: 21 Dec 2020

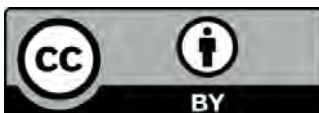
Keywords:

*Active Prevention,
Personal Factors,
Systematic Factors, Surrounding
Factors, Occupational Criminal
Behaviour of Judges.*

ABSTRACT

In all political systems, the judiciary plays an important role as it has numerous powers and responsibilities such as implementing justice in the society. The expectation of the society from the judiciary is that not only its members do not commit any intentional crime, but also they do not commit any wrongdoing as a whole. So in delivering this demand, the judges must obey the law as a way of following the huge responsibility that has been placed on their shoulders, as the failure to follow key principles such as the law and custom accepted by the society will result in dire consequences for them e.g. a crime or a disciplinary offence. To understand what constitute as an act which falls outside the norms accepted for a reasonable judge, different factors such as economical, educational, personal etc must be considered as a way of moving towards eradicating them. To do so, instead of finding solutions after a misconduct has been committed, by applying amendments to the existing law, the system can prevent such actions from taking place in the first place. The mentioned strategy is known as non-criminal prevention or active prevention, which will be discussed in this article, giving recommendation as to how to deal with the existing barriers.

openaccess



Cite this article as:

Pirniakan, AL (2020). "Active Prevention of Occupational Criminal Behaviour of Judges; Challenges for Implementation and Their Solutions". *Legal Thoughts Journal*, 1(3): 41-58.